■ سال بیست‌وهفتم ■ شماره ۷۷۹۸ ■ سه شنبه ■ ۲۳ آذر ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۹ | اذان مغرب ۱۷/۱۲ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۴ | اذان صبح فردا ۵/۳۷ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۷

سخن روز

حضرت فاطمه(س)
همیشه درخدمت مادر و پایبند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن نعمت‌های بهشتی خواهد بود.
کنزل العمّال: ج۱۶، ص۴۶۲، ح۴۵۴۴۳

نه بدبخت هستیم و نه کسی می‌تواند کنارمان بگذارد

غلامحسین لطفی: من جزو هنرپیشه‌هایی هستم که تا نقشم را دوست نداشته باشم، به هر قیمتی قبول نمی‌کنم و اقدام به بازی نمی‌کنم؛ حتی اگر بگویند دقیقه‌ای ۱۰۰ میلیارد می‌دهیم اما نقشی که تکست (متن) ندارد را بازی کن، اگر از گرسنگی بمیرم هم این کار را نمی‌کنم و هرگز قبول نمی‌کنم. آنجا که عکس‌های ما را می‌گذارند و از ما به‌عنوان هنرمندان کنار گذاشته شده یاد می‌کنند، از ما اجازه نگرفته‌اند و من می‌توانم از آنها شکایت کنم. افرادی مثل آقای الماسی و آقای کاویانی هم اسمشان مثل من در آن صفحه هست. مردم هم آگاهی ندارند، نگاه می‌کنند و دلشان به حال ما می‌سوزد و فکر می‌کنند ما بدبختیم و یک عده ما را کنار گذاشته‌اند و ما طرد شده‌ایم. خیر، ما نه بدبخت هستیم و نه کسی می‌تواند ما را کنار بگذارد. هیچ کس حق ندارد ما را کنار بگذارد، اینکه می‌گویند ما کنار گذاشته شده‌ایم به روحیه آدم‌ها برمی‌خورد. این کارها درست نیست؛ مثلاً شبکه‌ای مثل آی فیلم چطور پربیننده‌ترین شبکه ایرانی می‌شود؟ چون سریال‌های قدیمی امثال ما هنرمندان را پخش می‌کند و به خاطر همین است که بهترین شبکه شناخته می‌شود.

بخشی از صحبت‌های این هنرمند در گفت‌وگو با ایسنا

هیچ نیرویی در این دنیا، به قدرت نیروی روحی او نمی‌رسد، به شرطی که اراده و وقوف داشته باشد!

سووشون/
سیمین دانشور

نـــگاره
کیان راد پویان

تهران در انتظار باران

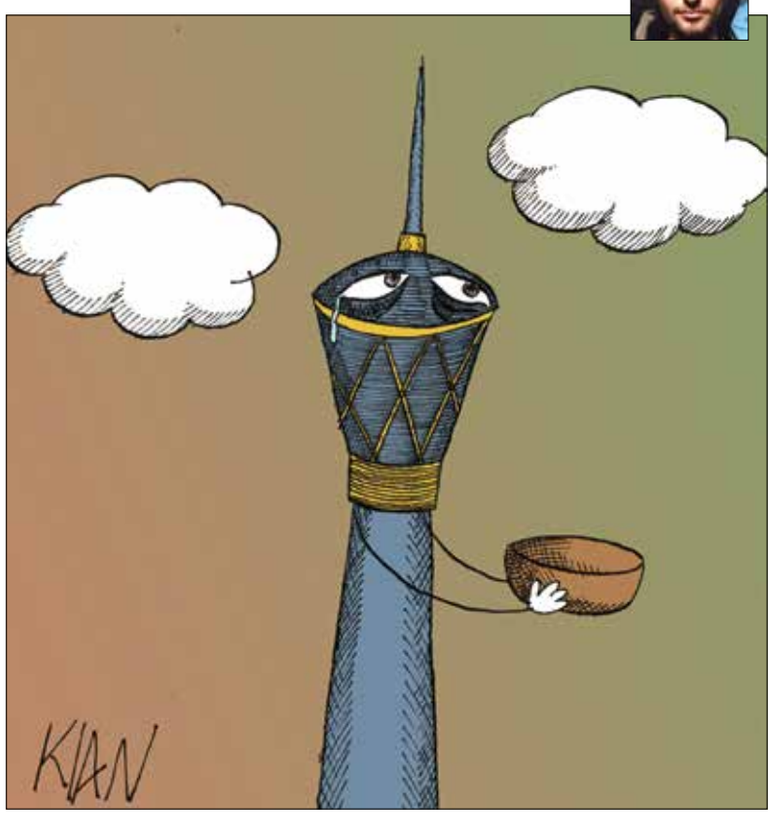

سنت نیکوی قدردانی از زندگان

یادداشت

محدثه واعظی‌پور
خبرنگار

برای ایرانی‌ها، ستایش زندگان امری دشوار به نظر می‌رسد. شاید بهتر است این جمله را این طور اصلاح کنم: برای بسیاری از ایرانیان ستایش و قدردانی از زندگان به اندازه مدح و ثنای آنانی که از دنیا رفته‌اند، ساده نیست. بسیاری از چهره‌های سرشناس سیاست، فرهنگ و هنر در ایام زندگی بی‌مهری دیده‌اند، ناسزا شنیده و به انواع و اقسام خطاها متهم شده‌اند. در عوض بسیاری از آنان که در خاک خفته‌اند یک شبه قهرمان شده و تا مدت‌ها در ستایش آن‌ها قلم‌فرسایی شده، گویی همه از خاطر برده‌اند که با آنها در ایام زندگی چه رفتاری داشته‌اند.برگزاری مراسم بزرگداشت و آیین‌هایی از این دست که گاهی به همت جشنواره‌ها و رویدادها و گاه به واسطه تشکل‌ها و انجمن‌ها شکل می‌گیرد، اتفاقی مبارک آن هم در جامعه‌ای است که قدر زندگان را نمی‌داند و درست یا غلط به «نخبه‌کشی» معروف است. در پانزدهمین جشنواره «سینماحقیقت» دو بزرگداشت برای دو سینماگر از دو نسل برگزار شد، ارد عطارپور و حبیب‌الله والی‌نژاد که از دو طیف مختلف اما فعال و علاقه‌مند به حوزه سینمای مستند هستند.

برای جشنواره‌ای که اعتبارش را از سینمای مستند ایران و کارگردانانش می‌گیرد توجه به سینماگرانی که بخش عمده و مهم کارنامه حرفه‌ای‌شان با سینمای مستند گره خورده اگرچه طبیعی است، اما امتیاز محسوب می‌شود به این دلیل که جشنواره می‌تواند روی شخصیت‌ها و فیلم‌ها نوری برای دیده شدن بتاباند. ارد عطارپور سینماگری است که آبرو و اعتبارش در جامعه مستندسازان نه فقط به خاطر استمرار در ساخت فیلم‌های تاریخی و آرشیوی و نه به‌دلیل توجه به تاریخ ایران است، همه اینها هست و بیش از اینها شخصیت، روحیه و مسلکی است که فضای مستند ایران از او می‌شناسد و شاید بیش از هر چیزی در این زمانه نایاب است. ارد عطارپور، بی‌حسادت و خالصانه در کنار نسل‌های مختلف مستندسازان حضور داشته و کوشیده دانش، تجربه و روابطش را برای پیشرفت آنها و سینمای مستند هزینه کند. در روزگاری که توجه به منفعت شخصی و زد و بند با مدیران نهادها و ارگان‌های صاحب سرمایه معمولاً مسیر پیشرفت را هموار و تسریع و تسهیل می‌کند، عطارپور کوشیده آلوده نشود و حتی در حشر و نشر با مدیران و جشنواره‌ها، مسیر خود را بپیماید.

این پرهیزها از یک سو و تلاش برای ثبت تاریخ و فرهنگ ایرانی از سویی دیگر، شخصیت او را ممتاز و متمایز کرده است.حبیب‌الله والی‌نژاد که از مکتب شهید آوینی به سینمای مستند آمده، از آغاز تا امروز بر یک مدار حرکت کرده و کوشیده صدای نسلی باشد که با انقلاب هویت یافتند و پس از آن، در سینما دغدغه‌ها و اعتقادشان را دنبال کردند. نقطه عطف کارنامه والی‌نژاد، مستند دیدنی «آخرین روزهای زمستان» است که به تجربه به یادماندنی «ایستاده در غبار» منجر شد، تقدیر از او در «سینماحقیقت»، تجلی نگاهی تازه برای گرامیداشت تلاش و کارنامه زندگان است.

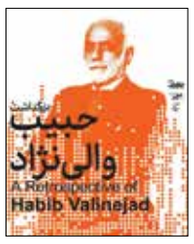

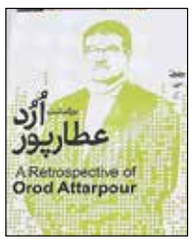

اما و اگرهایی درباره کارگاه‌های نویسندگی

رؤیای داستان‌نویسی کودکان را بر آورده کنیم

یادداشت

علی‌الله سلیمی
نویسنده و منتقد ادبی

خانواده‌ها برای پر کردن اوقات فراغت فرزندان خود معمولاً به گزینه‌های متعددی فکر می‌کنند که یکی از آنها، ثبت‌نام بچه‌ها در کلاس‌های آموزشی است که در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگی و هنری برگزار می‌شود. در این میان، کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی از گزینه‌های دلخواه برای بسیاری از خانواده‌هاست که دوست دارند فرزندشان با یادگیری این مهارت، در آینده صاحب آثاری در حوزه ادبیات داستانی و یکی از نویسندگان کشور و شاید هم جهان شود، البته برای رسیدن به چنین هدف شعف‌انگیز و ایده‌آلی معمولاً راه درازی در پیش است که اغلب خانواده‌ها هم از آن خبر دارند. با این حال امید خود را از دست نمی‌دهند و برای برآورده کردن آن همواره تلاش می‌کنند، اما از چه راهکارهایی می‌شود استفاده کرد تا مسیر رسیدن به این هدف رؤیایی هموارتر شود و بچه‌ها با شوق و انگیزه بیشتری در کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی حاضر شوند و اگر استعدادهای نهان و نهفته‌ای در بطن وجود خود دارند بارور و با خلاقیت‌های فردی آن را عیان و عملیاتی کنند. حالا قبل از ارائه راهکارها در این زمینه، یادآوری چند نکته کلیدی و کاربردی خالی از لطف نیست. اولین گام و مهم‌ترین مسأله داشتن استعداد نویسندگی و علاقه در کودکان است که این استعداد با مطالعه و تمرین بارور می‌شود. خانواده‌هایی که از این نکته مهم تا حدودی مطمئن شوند با خیال راحت می‌توانند کودکان خود را به‌سمت و سوی نویسندگی سوق دهند.

دومین گام؛ فراهم کردن زمینه لازم برای ورود کودکان به دنیای نویسندگی است که با نوشتن یادداشت‌های کوتاه و روزانه توسط کودکان به همان قلم و زبان کودکانه قابل تحقق است. گام سوم؛ آشنا کردن کودکان با محیط اجتماع است که بتوانند تجربه‌های اولیه و نسبی از محیط اطراف خود کسب کنند که بر اساس آن ایده‌های داستانی را پایه‌گذاری و نگارش کنند. با لحاظ کردن موارد سه‌گانه یادشده می‌شود به سراغ مراحل بعدی رفت که در این بخش هم، قدم اول؛ انتخاب کلاس آموزش داستان‌نویسی متناسب با دانش و علایق فرزند خانواده است، چرا که همه کلاس‌ها برای همه فرزندان مناسب نیست؛ در برخی از این کلاس‌ها که با فرض آشنایی اولیه هنرجوی کودک با مقدمات اصول داستان‌نویسی برگزار می‌شود، مدرس کلاس از برخی مبانی اولیه داستان‌نویسی به عمد می‌گذرد و این می‌تواند برای هنرجوی تازه کار مشکل‌ساز شود، چون داستان‌نویسی هم مانند بسیاری از دروس آموزشی از پیوستگی متون درسی برخوردار است و اگر هنرجو درس‌های پایه و اولیه را به‌طور کامل نخوانده و نگذرانده باشد در درس‌های بعدی با مشکل جدی مواجه می‌شود.

بنابر این، انتخاب کلاس با رویکرد آموزش از پایه برای کودکانی که برای بار اول قدم به این مراکز آموزشی می‌گذارند مهم و لازم است.

پیدا کردن چنین کلاس‌هایی هم چندان سخت نیست. کافی است خانواده‌ها به مراکز فرهنگی و هنری نزدیک محل سکونت خود مراجعه و از نحوه برگزاری کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی اطلاعات لازم را کسب کنند. بسیاری از فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ، سراهای محله و همچنین برخی کتابخانه‌های عمومی از جمله کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در برخی فصول سال کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی برگزار می‌کنند و اغلب هم با دعوت از استادان خبره در این فن، کلاس‌های آموزشی پرباری دارند. اگر کودکی از زمینه و استعداد نسبی در زمینه داستان‌نویسی برخوردار باشد، با شرکت در این کلاس‌ها می‌تواند تا حدود زیادی استعدادهای نویسندگی خود را بارور کند و با تلاش، ممارست و پشتکار پیوسته نام خود را در کنار داستان‌نویسان آینده به ثبت برساند. این نکته از آن جهت اهمیت مضاعف دارد که امروزه کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی با بهره‌گیری از آخرین فنون، مهارت و آموزه‌های داستان‌نویسی و برپایی کلاس‌های خلاق نویسندگی بیشترین سهم را در تربیت نویسندگان آینده دارند و کودکان علاقه‌مند هم می‌توانند از امتیازات آن بهره‌مند شوند.

سرگذشت ترجمه‌های محمد قاضی

پیشنهاد

حمید ناصری
منتقد

هرجا که نامی از ترجمه فاخر بر زبان بیاید، بی‌شک محمد قاضی یکی از چهره‌های شاخصی است که از ذهن همه اهل ادب گذر می‌کند چون اوست که به‌زعم بسیاری از اهل فن لقب پدر ترجمه ایران برازنده‌ترین قبا بر قامت اوست و حالا کتابی منتشر شده از او در روزگاری که خودش در آن نفس نمی‌کشد. «سرگذشت ترجمه‌های من» روایت خودنوشت محمد قاضی، مترجم پیشکسوت فارسی، از چند و چون و دقایق حرفه ترجمه است. تسلط کم نظیر قاضی بر زبان فارسی، زبردستی‌اش در ترجمه، شمار فراوان آثار، دانش وسیع و قریحه‌اش در انتخاب آثار، او را در جایگاهی قرار داده که بی‌تردید کارنامه آثار و ترجمه‌های او فصلی ممتاز از تاریخ ترجمه در دوره‌های متأخر خواهد بود. روش قاضی در تدوین کتاب، روایت شکل‌گیری ایده ترجمه و انتخاب اثر، معرفی ضمنی آن و ارائه نمونه‌ای از متن ترجمه است. او در این کتاب از روایت ترجمه «کلود ولگرد» ویکتور هوگو در آغاز دهه بیست شمسی در سال ۱۳۱۷ تا بازگویی ماجرای ترجمه دن کیشوت، سمرقند، کورش کبیر و ماجرای دلکش ترجمه ده‌ها اثر دیگر را آورده است. به نحوی که این کتاب، متضمن کارکردهایی متنوع شامل بازگویی بخشی از تاریخ ترجمه، معرفی سبک ترجمه و معرفی کتاب ترجمه شده و ارائه منتخب متون است. علاوه بر آن بازگویی فراز و فرود حرفه‌ای، وقفه‌ها و دشواری‌های ترجمه، کارکردی تعلیمی به کتاب بخشیده است. با این توصیفات، این کتاب را می‌شود فرهنگ ترجمه‌های محمد قاضی دانست. کسی که ۱۲ مرداد ۱۲۹۲ در شهر مهاباد استان آذربایجان غربی به دنیا آمد و سال ۱۳۰۸ به تهران مهاجرت کرد و سال ۱۳۱۵ از مدرسه دارالفنون، دیپلم ادبی گرفت. قاضی با ترجمه اثری کوچک از ویکتور هوگو به‌نام «کلود ولگرد» از ابتدای دهه ۱۳۲۰، برای نخستین بار قدم در راه ترجمه گذاشت و پس از آن ۱۰ سال ترجمه را کنار گذاشت. در سال ۱۳۲۹ پس از صرف یک سال و نیم وقت برای ترجمه جزیره پنگوئن‌ها اثر آناتول فرانس، به زحمت توانست ناشری برای این کتاب پیدا کند؛ اما سه سال بعد که این اثر انتشار یافت، به‌دلیل شیوایی و روانی و موضوع متفاوت کتاب، با فروش خوبی مواجه شد. سال ۱۳۳۳ کتاب شازده کوچولوی سنت اگزوپری را ترجمه کرد که بارها تجدید چاپ شد. یکی از کتاب‌هایی که نسل‌های مختلف ایران با آن خاطره دارند، همین شازده کوچولو با ترجمه محمد قاضی است که نثر شیوا، شیرین و کودکانه این مترجم زبردست، به این داستان ارزش دوباره‌ای بخشیده است.

■ **سرگذشت ترجمه‌های من**
■ **محمد قاضی**
■ **انتشارات علمی و فرهنگی**

کوهستان، درس آموز زندگی

نکته

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

هفته جاری با روز جهانی کوهنوردی آغاز شد. عنوانی که ناخواسته روح انسان را برای لحظاتی بر فراز بلندی‌های باشکوه، دره‌های مرموز، قله‌های سر به ابر فرو برده و دامنه‌های برفی با چشم‌اندازهای بدیع و دلفریب کوهستان به جولان درمی‌آورد. همه ما خاطراتی از کوه و کوهنوردی داریم. میعادگاهی برای بازگشت به خویشتن خویش و فرصتی برای سنجیدن میزان تحمل دشواری‌ها و خودسازی. کوهستان جایی برای آرامش و فاصله گرفتن از هیاهو و تنش‌های روزمره زندگی و کوهنوردی نیز مهارتی که هم ورزش است و هم طبیعت‌گردی به شمار می‌آید. لذت صعود به بلندی‌های کوهستان را فقط یک کوهنورد می‌تواند توصیف کند، زیرا طعم آن را چشیده است. لذتی که در نتیجه جاذبه‌هایی همچون هوای پاک، طبیعت بکر و آرامش محیط کوهستان به دست می‌آید. کوهنوردی و صعود به قله‌های مرتفع، یکی از فعالیت‌های هیجان‌انگیز و اقناع کننده حس ماجراجویی انسان از دیرباز تاکنون بوده است و علاوه بر سلامت جسم، سلامت روح و روان را هم در پی دارد.

کوهنوردی علاوه بر آرامش، سلامت و لذت، فرصت کسب مهارت‌های زندگی نیز محسوب می‌شود و می‌توان ارتباطی مستقیم میان کوهنوردی و آموزه‌های زندگی‌ساز آن برقرار کرد. برای فهم این بعد از کوهنوردی کافی است به برخی نکات در ارتباط با آن توجه کرد. با این رویکرد در وهله اول باید در نظر آورد که کوهنوردی چه به شیوه حرفه‌ای و جدی آن و چه به نحو آماتور، امری جمعی و گروهی است. به این معنا که کوهنوردی حتی به منظور تفنن به صورت جمعی عینیت می‌یابد. زیرا صعود به قله‌های مرتفع به نحو انفرادی نه شدنی است و نه معقول، چرا که در غیر این صورت اقدامی انتحاری محسوب خواهد شد. از این رو کوهنوری را می‌توان جلوه‌ای از زندگی جمعی دانسته و بخشی از الزامات زندگی جمعی را بر آن بار نمود. با این تفاوت که به دلیل کوچک بودن اجتماع کوهنوردان، خطاهای رفتاری آنان در نسبت شهروندی بیشتر به چشم آمده و پایبندی و احترام به قوانین همنوردی به دلیل چهره به چهره بودن مانع از ارتکاب و تکرار خطاست.

فارغ از بحث‌های فلسفی در باب ضرورت رعایت الزامات همزیستی در زندگی روزمره، کوهنوردی کلاس درس آموزی به منظور یادگیری آموزه‌های زندگی جمعی است. زیرا منطق حاکم بر رفتار کوهنوردان، نظم مطلوبی را می‌طلبد که از ضمانت اجرایی نیرومندی با پشتوانه‌ای اخلاقی و باورمند برخوردار است. در اینجا این سؤال مطرح است که چه چیزی شالوده جلوه‌های زندگی این فعالیت را شکل می‌دهد و اخلاق جمعی را پشتوانه آن قرار می‌دهد؟ در حالی که کوهنوردی در وهله اول دارای جنبه ورزشی بوده و با هدف اولیه پرکردن اوقات فراغت و سرگرمی در فضای کوهستان انجام می‌پذیرد. در پاسخ به این پرسش باید گفت؛ کوهنوردی درعین آنکه رفتاری ورزشی است، به دلیل رقابتی نبودن از سایر ورزش‌ها متمایز می‌شود. در این ورزش، تلاش برای رسیدن به قهرمانی همانند سایر ورزش‌ها به طور جدی مطرح نیست و این مطلوب سایر رشته‌های ورزشی در قالب رقابت‌های گروهی و انفرادی به دست نمی‌آید. بلکه موفقیت سایر گروه‌ها بسترساز فعالیت سهل‌تر گروه‌های بعدی بوده و کاملاً غیر رقابتی است. از این رو کوهنوردی را می‌توان فعالیتی تعاملی دانست که رقابت‌محور نیست و جنبه‌های سازنده آن و تقویت روح جمعی در آن پررنگ‌تر است. بنابراین می‌توان برای کوهنوردی با وجود جنبه‌های جدی ورزشی آن ابعاد سازنده‌ای از طریق آموزه‌های اخلاقی برشمرده و آن را از سایر ورزش‌ها متفاوت دانست. به نحوی که در نتیجه استمرار در این فعالیت ورزشی- اخلاقی، شاهد تربیت افرادی با روح‌های بلند و پایبند به رعایت حقوق شهروندی خواهیم بود. افرادی که ناهنجاری رفتاری کمتری از خود بروز داده و سوء رفتار کمتری دارند. به عبارت دیگر، یک کوهنورد حرفه‌ای فردی با شعور برتر و روحی رقیق‌تر است که مستعد رعایت هنجارهای زیست جمعی خواهد بود و منافع جمع را بر نفع شخصی ترجیح خواهد داد.

در کوهنوردی، افراد گروه با دقتی مسئولیت‌آور مراقب یکدیگرند و در سختی‌های صعود پشتیبان و یاریگر همنوردان خود هستند، همواره امید می‌آفرینند و مایه قوت قلب یکدیگرند. هر گروه همچون یک پیکر انسانی عمل کرده و کارها را بین خود تقسیم می‌کنند و همه از شأن و شخصیت یکسانی برخوردارند.

از آنجایی که کوهنوردی با ریسک همراه است، یک کوهنورد در پی کاهش ریسک صعود برای همنوردان بعدی بوده و تلاش می‌نماید تا مخاطرات سایر گروه‌های صعود کننده را به حداقل برساند. موضوعی که در سایر فعالیت‌های ورزشی دیده نمی‌شود و از این رو می‌گوییم کوهنوردی مهارتی زندگی‌ساز و مقوم جنبه‌های انسانی و اخلاقی کوهنوردان است.

عکس نوشت

چراغ نمایش «خاموشان» مرحوم علی سلیمانی با حضور خانواده و دوستان دیگر این هنرمند فقید از جمله هادی کاظمی، هومن حاجی عبدا للهی، پریسا مقتدی و... روشن شد./ عکس: ایران تئاتر

هنرمندان در فضای مجازی

در کنار همه آسیب‌هایی که محدودیت برآمده از کرونا برای فعالیت‌های فرهنگی و اهالی‌اش رقم زد، این شرایط سبب جدیت بیشتر در پوشش مجازی مراسم و نشست‌های مرتبط با فرهنگ در شبکه‌های اجتماعی شده. اتفاقی که در نهایت برخورداری طیف گسترده‌تری از علاقه مندان را سبب شده و تأثیر آن در همه حوزه‌های فرهنگ و هنر مشهود است.

■ **یاد او**

امروز مصادف با سالگرد درگذشت یکی از اهالی هنر است، انوشیروان ارجمند که هفت سال قبل در چنین روزی در آغوش خاک آرام گرفت. این بازیگر سینما و تلویزیون از چهره‌های شناخته‌شده عرصه تئاتر، در زمینه کارگرانی هم محسوب می‌شود. از جمله فیلم‌های سینمایی که در آنها به ایفای نقش پرداخته می‌توان به «دوئل»، «قاعده بازی» و«کیفر» اشاره کرد. وی در زمینه مجموعه‌های تلویزیونی هم از بازیگران پرکار بوده که «مختارنامه» و «حجر بن عدی» از جمله آنهاست.

■ **چهره ها**

فرهاد توحیدی فیلمنامه‌نویس، تصویری از فیلم «هرگز گریه نمی‌کنم»، کاری از سینمای لهستان را منتشر کرده که در توضیحات آن نوشته: «یک پیرنگ جست‌وجوی فوق‌العاده از سینمای لهستان، با فیلمنامه‌ای درخشان و کارگردانی عالی. اجتناب از غلتیدن به ورطه احساسات‌گرایی. از «پیوتر مالفسکی» نویسنده و کارگردان فیلم که از سن‌سباستین، جایزه بهترین فیلمنامه را گرفته و...»

امیرشهاب رضویان، کارگردان و فیلمنامه‌نویس پستی درباره ویژه برنامه «آیین یلدا» را باز نشر کرده که قرار است به همت موزه «کودک و هیجان» برگزار شود. آنطور که در استوری این هنرمند درج شده علاقه‌مندان، دوشنبه ۲۹ آذرماه از ساعت ۳ تا ۹ می‌توانند از این ویژه برنامه بهره ببرند. البته حضور در این جشن یلدایی مستلزم ثبت‌نام است که برای اطلاع بیشتر می‌توانید سری به صفحه رضویان بزنید.

علیرضا قربانی خواننده موسیقی ایران در ادامه تور کنسرت‌های «با من بخوان» قرار است ۲۵ آذرماه در شهر ژنو سوئیس کنسرت برگزار کند، خبری که زکریا یوسفی نوازنده سازهای کوبه که با این گروه همراهی دارد در صفحه مجازی خود منتشر کرده است. قربانی پیش از این گفته بود: «ما در حال اجرای این پروژه در تهران بودیم که متأسفانه همه‌گیری این بیماری در ایران و تمام جهان شروع شد.» او در ادامه این فرصت را برای اجرا در سوئیس مغتنم شمرد.

■ **نوشته استاد کدکنی از کتاب «فیه مافیه»**

در صفحه‌ای که تحت نظارت محمدرضا شفیعی کدکنی، پیشکسوت عرصه ادبیات اداره می‌شود تصویری از کلاس سه‌شنبه‌های این استاد دانشگاه تهران منتشر شده، این تصویر با توضیحاتی از کتاب «فیه‌مافیه» همراه شده که در بخشی از آن آمده: «این دنیا یک خانه است، وهم و فکر و اندیشه‌ها دهلیز این خانه است، هر چه در دهلیز دیدی که پیدا شد، حقیقت دان که در خانه پیدا شود و این همه چیزها که در این دنیا پیدا می‌شود، از خیر و شر، اول، همه در دهلیز پیدا شده است.»

■ **جلسه‌ای مجازی برای دیدار با پژوهشگر افغانستانی**

جلسات پنجشنبه‌های بخارا مدت‌هاست نه تنها به شکل حضوری، بلکه از طریق فضای مجازی هم میزبانی علاقه مندان را برعهده دارد. دیدار و گفت‌وگو با جواد خاوری، تازه‌ترین برنامه این سلسله نشست‌ها است که ۲۵ آذرماه جاری، ساعت ۹ و نیم صبح با حضور شوکت علی محمدی شاری، تینا محمدحسینی، زهرا زاهدی و علی دهباشی در محل کتابفروشی فرهنگان قریب برگزار می‌شود. خاوری نویسنده کتاب‌های «پشت کوه قاف»، «امثال و حکم مردم هزاره» و «شگفتی‌های بامیان» از مهاجران افغانستانی به کشورمان است که از اوایل دهه هفتاد به فرهنگ عامیانه علاقه‌مند شده و دست به جمع‌آوری و پژوهش در ادبیات شفاهی زده است.

■ **تازه‌های نشر**

مجموعه «طنزآوران جهان نمایش» از جمله کتاب‌های مرجع در عرصه ادبیات نمایشی به شمار می‌آید که چند سالی است داریوش مؤدبیان ترجمه‌اش را آغاز کرده است. در همین رابطه این کارگردان تئاتر، نویسنده و مترجم در صفحه‌اش مطلبی با این مضمون خطاب به علاقه‌مندان منتشر کرد: «دفتر بیست و چهارم طنز جهان نمایش به چاپخانه رفت!» آن‌طور که این بازیگر سینما و تئاتر درباره سرفصل‌های این جلد نوشته، خوانندگان در بیست و چهارمین دفتر با مطالبی درباره نمایش در چین روبه‌رو خواهند شد که از دوران کهن تا شکل‌گیری جمهوری در این کشور را شامل می‌شود.